



احمد ابوظالبیان قزوینی  
خوش نویس و مجموعه دار

از ارکان پیشرفت  
حتی صنعت، حاصل  
سرزمین‌های متفاوت است  
است که هنرمندان هر ملتی  
دستاوردهای نوینی خواهند شد. با  
برخورد فرهنگی است که بینندگان آثار و  
بیان دگرگونه‌تر از قبل، در روند آفرینش آثار

اساسی‌ترین رکن  
فرهنگ و ادب و هنر و  
برخورد فرهنگ‌های اقوام  
و از تقابل هنرها و فرهنگ‌ها  
دارای ایده‌ها و افکار و همچنین  
آرانه این آثار نوی به وجود آمده پس از  
منتقدان جنبش‌های هنری مفاهیم نوتری را با  
هنری و هنرمندان آن سرزمین خواهند دید.

این موج به وجود آمده از برخورد طیف‌های فکری  
تأثیر خواهد داشت، بلکه تأثیر آن در عمیق‌ترین لایه‌های ادبی و فرهنگی و سایر هنرهای هر سرزمین دیده خواهد شد.  
از این جاست که برقراری نمایشگاه‌ها و حراج‌های هنری در جهان امروز بیش از پیش در حال گسترش است؛ برای مثال  
هنرمندان آمریکای جنوبی در چین آثار خود را به نمایش می‌گذارند و یا هنرمندان سستی آفریقا آثار خود را در کشورهای  
اسکاندیناوی به نمایش گذاشته، به فروش می‌رسانند و نمونه‌های بسیار دیگری که هر روزه در جای جای این کره خاکی  
در حال انجام است. شایان ذکر است که به طور طبیعی در بین کشورها حد و مرزی که ما به روی نقشه‌های جغرافیایی  
قابل هستیم وجود ندارد و این حصار بندی فقط زائیده تفکرات محدود انسان است، اما برای انسان اهل فرهنگ و هنر  
با تفکرات جهانی، هیچ مرزی و مانعی و ممنوعیتی برای صدور تفکرات و آفرینش‌های ادبی و هنری وجود ندارد. از این  
جاست که صدور فرهنگ و هنر به سهولت انجام می‌پذیرد و جوامعی سردمدار حرکت‌های هنری جهانی خواهند بود که  
با قدرت و حضور بیشتری در این میدان‌ها نقش مؤثرتری داشته باشند.

یکی از مهم‌ترین صحنه‌های نمایش این توانایی‌ها برگزاری نمایشگاه‌ها و حراج‌های آثار هنری قابل دسترس برای  
ملل مختلف است، که هم به منزله به تصویر کشیدن اندیشه‌های متعالی مردمان آن سرزمین است که در آینه پاک و  
زالزال ضمیر هنری هر هنرمندی به صورت یک اثر هنری متجلی شده و هم خرد برتر هر قومی را که به حقیقت عصاره  
ان در قالب یک اثر هنری و یا برگزاری نمایشگاه آثار هنری است، برای مردم سرزمین‌های دیگر به نمایش می‌گذارد.

برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها و حراج‌ها در دنیای مدرن علاوه بر به تصویر کشیدن غنای فرهنگی، برای تهیه کنندگان و مجموعه داران این آثار هنری سود اقتصادی هم خواهد داشت. با این مقدمه هر چند کوتاه، می‌توان مقایسه ای اندک در خصوص اقتصاد هنر در کشور عزیزمان ایران و سایر کشورهای جهان انجام داد.

آثار هنری به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- آثار هنری تاریخی؛ ۲- آثار هنری معاصر. آثار هنری تاریخی، مربوط به هر زمانی در هر شکل و اندازه ای به حراج‌ها راه پیدا می‌کند. این آثار توسط کارشناسان از جوانب متفاوتی مثل صحت، قدمت، اصالت و غیره مورد کارشناسی قرار می‌گیرد و پس از تأیید مراحل اولیه، در حضور صاحب اثر قیمت گذاری و قیمتی به عنوان قیمت پایه تعیین می‌شود و با صاحب اثر توافق حاصل می‌شود. در بیشتر اوقات قیمت نهایی فروخته شده یک اثر چند برابر قیمت اولیه خواهد بود و از این جاست که یک اثر هنری تاریخی به حراج راه پیدا می‌کند. آثار چند روز قبل از آغاز حراج به نمایش گذاشته می‌شوند و همچنین کاتالوگ‌هایی با مشخصات خاص آن اثر به چاپ می‌رسد تا خریداران حداکثر اطلاعات لازم را برای انتخاب و خریداری آن داشته باشند. در روز حراج هم پس از اعلام ورود یک قطعه به روی صحنه فروش، خریداران احتمالی که تمایل به داشتن آن اثر دارند با اضافه کردن به قیمت پایه، اعلام تمایل می‌کنند و نفر بعدی با افزودن مبلغی به آخرین قیمت اعلام شده، تمایل خود را نشان می‌دهد تا آن‌جا که دیگر کسی به قیمت نیفزاید و نهایتاً کسی که بیشترین مبلغ را اعلام کرده صاحب آن اثر خواهد بود. از این جاست که کار عملی اقتصاد هنر آغاز می‌شود. خریدار باید علاوه بر قیمت خریداری شده در روز حراج درصدی را هم به عنوان کمیسیون به حراج گذاران پرداخت کند تا بین ۱۰ تا ۳۰ درصد است.

بهای اثر فروخته شده به مرکز حراج توافق اولیه که بین مؤسسه حراجی و باید درصدی از بهای فروخته شده حراج گذار بپردازد که آن هم است.

مورد اناری است که اما در مورد اناری و چگونگی استرداد یا حراج‌های دیگر نیز قاعده این بحث نیست.

خریده یا فروخته می‌شوند فقط آثار هنرمندان یا سازندگان آن کشور نیستند، هم باشند. این آثار می‌توانند پس از فروش، از انتقال پیدا کنند. اما فقط و فقط اناری از آن کشور اثر ملی را داشته باشند. لازم به توضیح است طبقه بندی توسط مراکز دی‌صلاح و به سهولت و شفافیت انجام می‌گیرد.

اما حراج آثار هنری هنرمندان معاصر هم بدون هیچ مانعی انجام می‌گیرد و یا در مجموعه‌های خصوصی داخل کشور یا پس از خریداری توسط مجموعه‌داران خارجی، از کشور خارج می‌شوند. حال می‌توانیم به مزایای برگزاری این گونه حراج‌ها اشاره کنیم.

۱- کارشناسی آثار هنری و تاریخی که در خانه‌ها به صورت کارشناسی نشده وجود دارند؛ در صورت تمایل، صاحبان آثار می‌توانند از این طریق آثار خود را که کارشناسی نشده باقی مانده اند، کارشناسی کنند و آثار با ارزشی که با ناشناخته ماندن آنها تمامی عوامل صدمه دیدن و از بین رفتنشان فراهم است از این خطرات نجات پیدا کنند.

۲- سود حاصل از فروش آثار هنری می‌تواند صاحب اثر را که نا ابرارمان نمی‌دانسته دارای چه اثر با ارزشی است، به نوایی برساند (افزایش سود فردی از راه فروش اثر).

۳- علاوه بر آنکه فروشنده اثر از فروش آن منتفع گردیده، حراج گذار هم از کمیسیون حاصل منتفع می‌شود؛ و به نوبه خود، هم فروشنده و هم مؤسسه حراجی مالیات‌هایی به دولت پرداخت خواهند کرد.

۴- از رونق مؤسسات حراجی تعداد زیادی کارمند و کارگر و دلال و... حقوق می‌گیرند و سود می‌برند که هر کدام به نوبه خود به دولت مالیات‌هایی پرداخت خواهند کرد.



۵- در بعضی از موارد که خریداران خارجی هستند، با فروش آثار، موجبات ورود ارز را به کشور فراهم می‌آورند.  
۶- خریداران در زمان اقامت خود در شهر مورد نظر، از هتل‌ها و رستوران‌ها و گردشگاه‌ها و مراکز تفریحی و موزه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها و... استفاده می‌کنند که خود اینها هم به اقتصاد کشور کمک می‌کند.

۷- خریداران خارجی علاوه بر شرکت در حراج آثار هنری، جهت گردشگری به مناطق و شهرهای دیگر کشور هم می‌روند که این هم جنبه دیگری از اقتصاد هنر است.

۸- گسترش خرید و فروش آثار هنری سبب می‌شود:

الف) خریداران خارجی هر چه بیشتر با انواع هنر و هنرمندان این کشور آشنا شوند و همچنین بدون هیچ هزینه و مشکلی، فرهنگ و هنر آن سرزمین اشاعه یابد؛

ب) خریداران داخلی هم چه به عنوان مجموعه‌داران یا سابقه و چه مجموعه داران جدید، می‌توانند در این حراج‌ها شرکت و آثار جدیدی خریداری کنند. که این، هم موجبات حفظ آثار هنری در داخل و خارج کشور را فراهم می‌آورد و هم روز به روز به تعداد این مجموعه داران افزوده می‌شود که از جهات مختلفی حائز اهمیت است:

پ) افرادی که دارای امکانات مالی هستند به جای ایجاد هزینه‌های غیرضروری و غیر فرهنگی، بخشی از درآمد خود را صرف خرید آثار هنری می‌کنند که متعاقباً علاوه بر رشد قیمت آثار هنری در مدت زمانی نه چندان دور، منافع مالی فراهم می‌آورد و خدمات فراوانی نیز به فرهنگ و هنر و هنرمندان این سرزمین می‌دهد و همچنین زمینه‌های رشد و ارتقای روز افزون ادبیات، فرهنگ و هنر خود و دیگران را به وجود می‌آورد.

۹- برگزاری این گونه حراج‌ها سبب می‌شود دارندگان

را به فروش برسانند به جای آنکه این آثار را اروپا یا آمریکا با قیمت کمتری به فروش داخل کشور با قیمت بهتری بفروشند.

کشور می‌ماند و هم سود حاصل باطل در مورد بعضی از اشیا، کنیم، در آن طرف مرزها خواهند شد، از بین

از آثار ایرانی و داخل کشورمان با قیمت می‌شود تا سایر کشورها، تعدادی از این اقلام اشاره کرد:

اشعار: ۳ ادعیه: ۴ کتب نجوم و و قاب‌های آینه: ۵ مرقعات و قطعات

۱۰- بسیاری از ایرانیان که در گذشته آثار بازارها و حراج‌های داخلی می‌توانند آثار خود را به فروش برسانند، که علاوه بر سود حاصل هم برای مالک فرهنگ این سرزمین می‌شود.

قابل ذکر است تبادل فرهنگی از طریق خرید و فروش آثار هنری در کشور، خاص سال‌های اخیر نیست، بلکه زمینه‌های اولیه این کار در عهد صفوی و حتی قبل از آن فراهم آمده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

رشد و گسترش تجارت جهانی در ایران از سده نهم هجری و به ویژه از نیمه اول سده یازدهم در اصفهان موجبات داد و ستد آثار هنری اروپا از جمله تصاویر چاپی، گراورها و تابلوهای رنگ و روغن روی بوم را در ایران رشد داد و ورود این نوع آثار به بازارهای ایران، ذوق و سلیقه هنر دوستان و هنر پروران را برانگیخت و تحولی در ذوق زیبایی‌شناسی هنرمندان پدید آورد. مهم‌ترین نتیجه این تحول هنری، شکل‌گیری پیکر نگاری درباری از سده دوازدهم هجری (افشار و زند) به بعد بود که در نیمه اول دوره قاجار به اوج کمال خود رسید.

شاردن، جهان‌گرد و محقق فرانسوی هم عصر صفویان، در کتاب ارزشمند خود تحت عنوان «سفرنامه شاردن» آورده است: «تعجب‌آور نبود که جماعت نقاشان و مذهبیان در اصفهان اجماع داشتند و کارشان در ایران و فرنگستان و سایر ممالک شهرتی درخور داشت و به خصوص میناکاران صنف بخصوصی بودند و استادان معروفی داشتند، حتی در بازار قیصریه (اصفهان) آثار نقاشان ایرانی و اروپایی خرید و فروش می‌شد و کتاب‌فروشان و صحافان دکان‌های علی‌حده داشتند و در کتاب‌فروشی‌ها نسخه‌های مصور و مذهب، به ویژه برای مشتریان هندی و فرنگی در دسترس بود. فرنگیان



بیشتر طالب آثار خانم کاری و خریدار قاب آینه‌ها بودند.

چینی و بلور فروشان به خصوص در داد و ستد ظروف کهنه فغفوری و بارفتنی و بشم مرغوب، خیره بودند و فرنگیان و خارجی‌ان مستربیان خاص آنها به شمار می‌رفتند.

بازار اصفهان هیچ وقت از جماعت دلالان خالی نبود و از هر صنف به جفت و جور کردن معامله مشغول بودند. این دلالان حتی در دربار هم رخنه کرده بودند و گاهی جواهر آلات مرغوب بازار را به درباریان عرضه می‌کردند. شاردن در جای دیگر می‌آورد: «با حضور دستاوردهای جدید فرنگیان در جامعه اصفهان، انگیزه نوگرایی در مردمان به حرکت درآمد و جامعه اصفهان را عرصه منازعت سنت و تجدد کرد.»

نشانه‌هایی از این منازعه را می‌توان در بعضی از نگاره‌های مکتب اصفهان به وضوح دید. مهم‌ترین نتیجه این نوگرایی‌های جامعه هنری اصفهان در سده یازدهم هجری ظهور و بروز اسلوب فرنگی سازی بود. علاوه بر سابقه خروج آثار هنری ایرانی در عصر صفوی و ورود آثار فرنگی به ایران در همان زمان، نکته بسیار حائز اهمیت، ترویج تفکر مجموعه داری آثار هنری است در تمامی سطوح جامعه، از شاه گرفته تا وزیران و شاهزادگان و درباریان و تجار و... که همه اینها سبب رشد روز افزون کمی و کیفی هنر و هنرمندان از هر دستی در آن عصر بوده است.

شاردن باز هم می‌نویسد: «در جاکخانه سلطنتی قابی دیدم مانند قاب‌هایی که مسیحیان یونان تصویرهای مقدس را در کلیساهای نکه‌داری می‌کنند نقاشی شده و به من گفتند که مسیحیان کرجستان سالیان بسیار پیراهن حضرت عیسی را در آن حفظ کرده اند.»

شاردن حتی لباس‌های تیمور و بعضی از همه اینها مربوط به دوران حکومت شاه برای شکوفایی پایتخت جدید خویش، داران را در آن مورد تشویق قرار سوی زاینده رود طراحی توسعه و رشد تجارت به نگذشت که تاجران مسیحی، زرتشتی، هندی، تبریزی، یزدی و خاص خود شدند و بر رونق همچنین دلاواله، جهان کرد «یک بار همراه شاه و سفیر هند وارد پس از طی مسافتی به در حجره هم وطن رسید، توقف کرد و این حجره را به سفیر هند از این اشاره دلاواله پیداست که نقاشی‌های اروپایی بازرگانان اروپایی در انتقال آنها به ایران نقش داشته اند.



همه این نقل قول‌ها بیانگر این واقعیت است که در عصر صفوی، خرید و فروش آثار داری چه درجه ای از اهمیت بوده و از طریق خرید و فروش این آثار چه رونق بی وقفه ای در زندگی روزمره مردم آن زمان وجود داشته است.

حال در مورد وضعیت و موقعیت حال حاضر اقتصاد هنر در کشور عزیزمان ایران می‌توان پرسید: آیا برای رشد و شکوفایی اقتصاد هنر در ایران، چه اقداماتی به عمل آمده است؟

در این روند، کشور ما دارای چه سیاست‌هایی است؛ همچنین در دنیای مدرن امروز از چه جایگاهی برخوردار است؟

چه پایه کداری‌هایی جهت رشد تفکر اقتصاد هنر یا به فعلیت در آمدن آن انجام پذیرفته است؟

متأسفانه باید اظهار داشت هیچ یک از سیاست‌ها و راهکارهای لازم جهت رشد و شکوفایی اقتصاد هنر در ایران صورت نگرفته است. حتی هیچ صحبتی نیز در این زمینه نیست. به طور کوناه می‌توان گفت بی توجهی به اقتصاد هنر نه تنها موجبات رکود فعالیت‌های هنری را در ایران فراهم خواهد آورد، بلکه زبان بسیار بزرگ‌تر، خروج هر چه بیشتر آثار هنری تاریخی از کشور خواهد بود.

فقدان سیاست‌های صحیح و همچنین نبود توجه لازم به برکزاری حراج‌های آثار هنری تاریخی (خصوصی و دولتی) توسط سازمان‌های ذی‌ربط (سازمان میراث فرهنگی و وزارت ارشاد) موجبات دلسردی مجموعه‌داران و حافظان آثار هنری را فراهم خواهد آورد که نه به نفع اقتصاد هنر است و نه در جهت حفظ آثار هنری تاریخی و ملی است.